

## کارکردهای کشف اهداف و ساختار سوره‌های قرآن

نگرش جامع‌گرایانه به معانی سوره‌ها، نگرشی نو و ساختاری به مفاهیم مطرح شده در سوره است و همچون هر نگاه دیگری، پیامدها و آثار جدیدی به دنبال دارد. این نگاه نو، افق جدیدی در درک و فهم معانی بلند این کتاب آسمانی گشوده و روش‌های نوینی را در عرصه قرآن‌پژوهی و آموزش‌های قرآنی ارائه می‌دهد و چه بسا بسیاری از راه‌های ناهموار را در مسیر تلاش‌های قرآنی همچون تفسیر جوانان-هموار و آسان نماید. برخی از آثار و نتایج سودمندی که برای این نگرش قرآنی می‌توان برشمرد عبارت است از:

### 1. کشف افق‌های جدید در اعجاز قرآن

یکی از جنبه‌هایی که در بررسی اعجاز قرآن کمتر مورد توجه واقع شده است جنبه ساختاری آن است. مطالعه و بررسی ساختار قرآن و ترسیم ابعاد اعجازی آن از این جهت که قرآن در درجه نخست یک «متن» است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شکی نیست که در پیدایش یک اثر توانمند ادبی، گزینش واژه‌ها، آهنگ کلمات و ترکیب آنها نقش بسزایی دارد، اما بنیادی‌ترین چیزی که شکل نهایی متن را سامان می‌دهد و ارتباط واژه‌ها و جملات را معنادار می‌کند، ساختار معنایی متن است. جملات زیبا اما ناهماهنگ و ناموزون، هیچ‌گاه یک متن ادبی توانمند و فصیح را به ارمغان نمی‌آورد.

### 2. آشنایی سریع و آسان با مفاهیم قرآن

تهیه تفسیری بر اساس ساختار سوره‌ها می‌تواند بستر مناسبی برای آشنایی سریع نسل جوان با مفاهیم قرآنی باشد. با کمک این طرح می‌توان مفاهیم اساسی و کلیدی همه سوره‌ها را به صورت نمودار درختی در آورد و با توجه به سطوح مخاطبان طی 30 یا 100 یا 150 جلسه مفاهیم قرآن را به طور کامل به علاقمندان آموزش داد.

### 3. حل اختلافات تفسیری

اگر بپذیریم که هر سوره دارای غرض واحدی است که مجموع آیات سوره برای تبیین و تشریح آن غرض گرد هم آمده‌اند، می‌توانیم در پرتو آن بسیاری از



ابهامات تفسیری و اختلاف نظر مفسران را در فهم آیات حل کنیم. غرض اصلی و محور اساسی در فهم هر سوره، معیار و شاخص دقیقی است که بر اساس آن می‌توان هر گونه انحراف تفسیری و خطا در برداشت را تشخیص داد و از رهگذر آن به تفسیر و تبیین آیات پرداخت.

#### 4. ارائه «ترجمه‌ای پیوسته» و تفسیری از قرآن

«ترجمه پیوسته و تفسیری» یا «ترجمه ساختاری» روش جدیدی در ترجمه قرآن کریم است. در این شیوه، فهم معانی و مطالب قرآن بسیار آسان و روان شده و مترجم با افزودن توضیحات تفسیری در متن و پاورقی، تا حدی خواننده را از مراجعه به تفاسیر بی‌نیاز کرده است. افزون بر این خواننده با توجه به فصل بندی سوره، هر سوره را به شکل متنی پیوسته احساس می‌کند و پایان یافتن یک آیه و شروع آیه دیگر را کاملاً با هم مرتبط می‌بیند و اهداف و مقاصد سوره را به خوبی درک می‌کند. «ترجمه پیوسته» وفادارترین ترجمه نسبت به قرآن مجید است؛ زیرا ضمن رعایت شرایط و مبانی علمی برای دستیابی به مفاهیم بی‌کران قرآن، مطالب هر سوره را به صورت یک واحد به هم پیوسته و یک مجموعه هماهنگ ارائه می‌کند.

#### 5. شناخت اسباب نزول‌های جعلی

یکی از فواید و کارکردهای کشف غرض سوره‌ها این است که در بسیاری از موارد می‌توان از آن به عنوان معیاری برای تشخیص اسباب نزول صحیح از روایات متناقض یا تبیین صحت و میزان انطباق یک روایت با واقعیت سود جست. شناخت شأن نزول آیات نقش بسیار مهمی در فهم و درک معانی قرآن و حل مشکلات تفسیری دارد، اما وجود روایات متناقض چالشی بزرگ در تعیین شأن نزول آیات و سوره‌ها پدید آورده است. از آنجا که مضمون کلیه آیات موجود در یک سوره با غرض سوره متناسب است، بنابراین تنها شأن نزولی را می‌توان معتبر شمرد که با غرض سوره هماهنگ باشد و در صورتی که شأن نزول‌های متفاوت همگی با غرض سوره متناسب بودند، آن‌گاه از قرائن و دلایل دیگر برای سنجش صحت شأن نزول می‌توان یاری جست.

## 6. ترسیم ساختار هدایتی قرآن

قرآن کتاب هدایت است و هدف اصلی از نزول این کتاب شریف بیان روش‌های دستیابی انسان و جامعه بشری به کمال رستگاری و بهره‌مندی از رحمت الهی است. شکی نیست که هر سوره قرآن بخشی از هدایتگری قرآن را به عهده گرفته است، به گونه‌ای که اگر یک سوره از قرآن کاسته شود، خللی جبران‌ناپذیر در دستیابی قرآن به هدف اصلی‌اش به وجود می‌آید.

با کشف هدف و غرض‌های اصلی سوره‌ها و قرار دادن آنها در کنار یکدیگر، ساختار هدایتی قرآن آشکار می‌گردد و گام بزرگی در شناسایی روش‌های تربیتی قرآن برداشته خواهد شد. به این ترتیب ضمن ترسیم ساختار قرآن، اصول و شیوه‌های هدایت از دیدگاه قرآن نیز روشن می‌گردد. سوره‌های قرآن از این جهت به فصول قرآن شباهت دارند؛ زیرا فصل‌های مختلف هر کتاب نیز عهده‌دار تأمین بخشی از اهداف کلی کتاب هستند.

## 7. استنباط گزاره‌های علمی

یکی از پیامدهای کشف اهداف و ساختار سوره‌های قرآنی، راهیابی به گزاره‌های جدید علمی است. این مهم با عرضه موضوعات علمی به سوره و مطالعه چگونگی چینش مباحث در ساختار سوره میسر می‌شود. این روش، مدل جدیدی از مطالعه قرآن است که تا کنون کمتر مورد توجه واقع شده است. در ادامه مقاله به معرفی این روش می‌پردازیم.

## روش‌های استنباط گزاره‌های علمی از قرآن کریم

قرآن مهم‌ترین منبع معرفتی مسلمانان است، از این رو دانشمندان مسلمان برای کشف گزاره‌های علمی در گرایش‌های مختلف علوم اسلامی، انسانی و تجربی، پیش از هر منبع دیگری به سراغ قرآن می‌روند. برای راهیابی به دیدگاه قرآن در خصوص گزاره‌های موجود در علوم بشری یا دستیابی به گزاره‌های جدید از سه روش می‌توان سود جست:

## الف) روش تفسیر ترتیبی

روش نخست که بیشتر در تفاسیر رایج است، بر مطالعه آیه در جایگاه خویش تأکید دارد. در این راهکار، مفسر با بررسی لغوی، نحوی و صرفی واژه‌های به کار رفته در آیه، مناسبت آن با آیات همجوار، شأن نزول آیه، تقدیم و تأخیر واژه‌ها در آیه و کاربرد سایر صنایع لفظی و ادبی در آن به استنباط گزاره‌های علمی از آیه می‌پردازد.

برای مثال از عبارت (إِذْ قَالُوا لَنبِيِّ لَهْمُ ابْعَثْ لَنَا مَلَكًا) (بقره/246) که به داستان طالوت و جالوت مربوط می‌شود، چنین استنباط کرده‌اند که «اعمال رهبری بر جامعه، در گرو وجود تمایل اجتماعی و زمینه پذیرش آن است.» (هاشمی، 174/2) این گزاره سیاسی که می‌تواند بخشی از نظریه مردم سالاری دینی در نظام سیاسی اسلام را تبیین کند، بدین‌سان از آیه مذکور استنباط شده است که «حضرت اشموئیل قبل از درخواست مردم، کسی را به عنوان فرمانده ایشان معین نکرد، با اینکه ضرورت آن روشن بود.» (همان، 172/)

## ب) روش کاوش موضوعی در قرآن

استنباط گزاره‌های علمی از آیات قرآن با روش موضوعی تنها پس از مطالعه آیات مشابه و هم افق میسر می‌گردد. در این روش، مفسر با بررسی مجموعه آیات مربوط به یک موضوع، پاسخ سؤالات خود را از قرآن دریافت می‌دارد. در این روش ممکن است از بررسی چند آیه که یکی عام و دیگری مخصص است یک گزاره استنباط شود. کاربرد این روش در استنباط گزاره‌های سیاسی و اجتماعی در سال‌های اخیر بسیار رایج شده است. برای نمونه برای راهیابی به دیدگاه قرآن درباره اصول همگرایی در جامعه اسلامی می‌توان به آیاتی همانند (وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ) (انفال/46) و آیه (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ) (حجرات/10) مراجعه کرد.

چالش اصلی روش موضوعی این است که ارتباط مفاهیم و مؤلفه‌های به دست آمده بر اساس یک نظام از قبل تعیین شده و بر اساس حدس و گمان است و هیچ یک بیان‌کننده همه زوایا و جوانب مورد نظر قرآن نیست. مثلاً از این راه متوجه



نمی‌شویم که چه رابطه‌ای میان ارزش‌های بنیادین قرآن مانند خدا باوری، پیروی از رهبری پیامبران، امر به معروف و نهی از منکر با همگرایی دینی وجود دارد؛ زیرا آیه‌ای که به طور معنادار بین این متغیرها ارتباط برقرار نموده باشد، نمی‌یابیم. برای نمونه در آیه شریفه (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) (انجرات/10) بین دو متغیر «اخوت دینی» و «اصلاح ذات البین» ارتباط معناداری برقرار شده است، از این رو می‌توان «اخوت» را از راهکارهای ایجاد همگرایی دینی بر شمرد. اما رابطه این گزاره با گزاره (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (نساء/59) به عنوان یکی دیگر از اصول همگرایی در جامعه دینی مشخص نیست و با ملاحظه آیات فوق رابطه طولی یا عرضی آنها را متوجه نمی‌شویم.

### ج) روش ساختاری در کشف گزاره‌های علمی قرآن

روش دیگری که اخیراً در مراکز علمی قرآنی مطرح شده و تفاسیر نگاشته شده در قرن پانزدهم هجری بدان توجه وافری کرده‌اند، روش ساختاری است. این روش مکمل روش موضوعی بوده و با استفاده از آن می‌توان گزاره‌های جدیدی از قرآن کریم استنباط کرد.

روش ساختاری بر نگرش جامع‌گرایانه به معانی سوره‌ها استوار است. بر این اساس و با ژرف‌اندیشی در محتوای پیام هر سوره، مفسر به دنبال یافتن غرض اصلی سوره تلاش‌های دامنه‌داری را سامان می‌دهد تا با راه یافتن به قله و تکیه زدن بر بلندای سوره، نگاهی گسترده و جامع را بر آیات بیندازد و با فهم روح کلی سوره، به چگونگی ارتباط آیات به ظاهر پراکنده دست یابد و از رهگذر انسجام معنایی سوره، نکات تازه‌ای از آن کشف کند.

توجه جدی به غرض سوره‌ها و تأکید بر آنکه هدف هر سوره باید اساس فهم آیات تلقی گردد، از اوایل قرن چهاردهم هجری با نگارش تفسیر المنار آغاز شد. محمد عبده اصرار داشت که کشف غرض هر سوره به مفسر کمک می‌کند تا به طور دقیق به معنای آیات نزدیک شود و معارف قرآن را درک کند. با نگارش همزمان دو تفسیر ارزشمند و بی‌بدیل در جهان اسلام، یعنی المیزان فی تفسیر



القرآن (تألیف 1357ق) و فی ظلال القرآن (تألیف 1374ق)، گام‌های مؤثری برای تبیین مبانی نظریه فوق و پیامدها و چالش‌های آن برداشته شد.

علامه طباطبایی در *المیزان* با گشودن فصلی در ابتدای هر سوره با عنوان «بیان»، هدف و غرض اصلی سوره را بیان می‌کرد و در لابلائی تفسیر خود مبانی نگرش ساختاری به قرآن را استوار می‌نمود و روش‌های راهیابی به اهداف سوره‌ها را گوشزد می‌کرد. با این اقدام علامه، به تدریج روش نگرش ساختاری در میان مفسران رواج یافت، تا آنجا که در سال‌های اخیر تقریباً هر سال یک دوره تفسیر قرآن بر اساس نگرش جامع‌گرایانه به سوره‌ها منتشر شده و تاکنون ده‌ها دوره تفسیر بر این اساس نوشته شده است.

برای استنباط گزاره‌های علمی از ساختار سوره‌های قرآن، ابتدا باید غرض اصلی و روح حاکم بر سوره را با استفاده از راهکارهای شناخته شده و قابل قبول کشف کرد، آن‌گاه با تکیه بر سیاق سوره، فصل‌ها و محورهای فرعی سوره را تنظیم می‌کنیم.

برای این کار، ابتدا فهرستی از مطالب سوره را به ترتیب آیات تهیه می‌کنیم و هر گروه از آیات را که اجمالاً در موضوع مشخصی سخن می‌گویند جدا کرده و برای آنها عنوانی را در نظر می‌گیریم. آن‌گاه سعی می‌کنیم که بین این عناوین فرعی ارتباط برقرار نموده و خطوط مشترک آنها را ترسیم کنیم. پس از ترسیم خطوط مشترک، فصل‌های اصلی سوره مشخص می‌شوند.

در برخی موارد پس از تبیین غرض اصلی سوره، باید جمله بندی عناوین فرعی نیز به گونه‌ای که تناسب بیشتری با هدف سوره داشته باشد، تغییر یابد تا مجموع عناوین اصلی و فرعی بتوانند ساختار و نمودار محتوایی سوره را ترسیم کنند. با اتمام این مرحله می‌توان در یک نمودار درختی، غرض سوره و فصول آن را به نمایش گذاشت و استنباط‌ها و برداشت‌های متفاوتی در زمینه‌های گوناگون از آن ارائه کرد.

وقتی هدف سوره درباره موضوع خاصی باشد، به طور طبیعی تمامی آیات آن به گونه‌ای با این موضوع محوری ارتباط دارد. بنابراین اگر بتوانیم ثابت کنیم که به

طور مثال سوره آل عمران درباره همگرایی دینی سخن می‌گوید، می‌توانیم نتیجه بگیریم که مباحث توحیدی مطرح شده در ابتدای سوره نیز به نحوی با این موضوع ارتباط دارد. همچنین مطالب ذکر شده در ابتدای این سوره پیرامون وجود آیات محکم و متشابه در قرآن، توصیه مؤمنان به توبه، معاد باوری، صبر، انفاق، بندگی خدا و استغفار در سحرگاهان نیز بی‌شک با مسئله همگرایی دینی و انسجام ملی ارتباط خواهد داشت.

بدین ترتیب با نگرش ساختاری به سوره‌ها، برداشت‌های علمی جدید و ارزشمندی می‌توان از قرآن ارائه نمود که با روش‌های سنتی و موضوعی هیچ راهی بدان‌ها وجود ندارد.

روش ساختاری در فهم قرآن، روش نوین‌یادی است که هنوز در ابتدای راه است و هم اکنون مراحل تکاملی خود را طی می‌کند، اما با توجه به تلاش‌های گسترده‌ای که برای تقویت بنیان‌های علمی این روش صورت می‌گیرد، می‌توان امیدوار بود که با کمک آن، نکات نوآمد و کاربردی را در عرصه‌های مختلف اعتقادی، سیاسی و اجتماعی از ساختار سوره‌های قرآن برداشت کرد؛ چنانچه با کمک این روش «محمد محمد مدنی»، اصول اداره جامعه اسلامی را از سوره نساء استخراج کرده و در کتاب *المجتمع الاسلامی كما تنظمه سوره النساء* به شرح آن پرداخته است. در این نوشتار در نظر داریم با مطالعه ساختاری سوره آل عمران به دیدگاه قرآن درباره «اصول همگرایی جامعه دینی» دست یابیم و گزاره‌های جدیدی را از ساختار سوره کشف نماییم.

## مطالعه اصول همگرایی دینی در ساختار سوره آل عمران

### الف) فضای نزول و هدف سوره آل عمران

به اتفاق مفسران، سوره آل عمران از سوره‌های مدنی است<sup>1</sup> و در مدنی بودن هیچ یک از آیات آن نیز تردید نشده است. این اجماع به دلیل محتوای سوره است که همگی مربوط به حوادث پس از هجرت رسول خدا به مدینه است.



سوره آل عمران در ترتیب مصحف، سومین سوره است و در ترتیب نزول، بنا بر قول مشهور و مصحف الازهر، هشتاد و نهمین سوره قرآن است که پس از بقره و انفال و قبل از احزاب در مدینه و در سال چهارم هجری نازل شده است.<sup>2</sup>

نزول سوره آل عمران در سال چهارم هجری و پس از سوره انفال در هنگامی بود که پیش از آن حکومت پیامبر 9 به خاطر تشریح قوانین و مقررات جامعه اسلامی و پیروزی در جنگ بدر، تا حدودی استقرار یافته و مسلمانان را در موقعیت ممتازی قرار داده بود. همین امر هشدار جدی برای دشمنان اسلام به حساب می‌آمد. (صادقی تهرانی، 9/5)

از سویی شکست مسلمانان در جنگ احد، دشمنان اسلام از یهودیان، مسیحیان و مشرکان را نسبت به مقابله با اسلام بی‌باک‌تر کرد و هر کدام به گونه‌ای در صدد خاموش کردن نور اسلام برآمدند. پس از این شکست عبرت آموز، قریش و دیگر احزاب مشرک عرب به یک صف درآمدند تا ضربه نهایی را (در خندق) فرود آورند. اهل کتاب، از یهودیان متن جزیره گرفته تا مسیحیان حاشیه آن، هماهنگ شدند تا با احتجاج‌ها و جدال‌ها و تشکیک‌ها، ضربه‌ای فکری و روحی به مسلمانان بزنند (طالقانی، 6/5) و از طرف دیگر دو امپراتوری بزرگ آن زمان، یعنی ایران و روم نیز نسبت به حکومت نوپای اسلام حساس شده بودند. (طباطبایی، 6/3)

این مطالب همگی بیانگر این معناست که این سوره در زمانی نازل شده است که مردم دنیا از یهودی و مسیحی و مشرک همه بر علیه اسلام قیام کرده بودند و مسلمانان به شدت در حال دفاع از حوزه دین بودند و لحظه‌ای امنیت نداشتند. از این رو باید همه توان خود را برای مقابله با آنان بسیج می‌کردند. (همان) در این هنگام سوره مبارکه آل عمران نازل شد و راه مقابله با دشمنان را به مؤمنان یادآور شد.

با توجه به فضای نزول سوره آل عمران، می‌توان «بیان راهکارهای ایجاد و تقویت انسجام درونی جامعه دینی و کسب آمادگی لازم برای مقابله با دشمنان نظامی و فرهنگی» را مقصود و غرض اصلی سوره دانست. این مقصود را بسیاری از مفسران برگزیده‌اند و آن را با عبارتهای مختلف بیان کرده‌اند.<sup>3</sup>



### ب) راهکارهای تقویت و گسترش همگرایی دینی در سوره آل عمران

از آنجا که سوره آل عمران در شرایط خاص سیاسی و اجتماعی پس از جنگ احد نازل شده است و در آن شرایط بقای جامعه اسلامی در گرو تقویت انسجام دینی بود، بخش مهمی از این سوره، یعنی آیات 1-129 به بیان ساز و کارهای تقویت و گسترش انسجام و اتحاد دینی مسلمانان اختصاص یافته است. در این بخش به راهکارهای زیر اشاره شده است:

#### 1. تقویت نگرش توحیدی جامعه

مهم‌ترین رکن فکری شهروندان جامعه دینی، نگرش توحیدی آنان به جهان هستی و پدیده‌های اجتماعی و سیاسی است. به میزانی که این نگرش توحیدی تقویت شود، بنیان‌های جامعه دینی نیز استوارتر و محکم‌تر خواهد بود. از سویی ذوب شدن آحاد یک جامعه در انگیزه‌ها و انگاره‌های توحیدی موجب کنار رفتن خودیت‌ها و منیت‌ها و در نهایت اتحاد و همدلی بیشتر آنان خواهد شد. از این رو در آیات آغازین سوره آل عمران، یعنی آیات 6-1 چند نکته مهم توحیدی، که توجه به آنها در تقویت روحیه ایمانی و ایستادگی مؤمنان در برابر دشمنان تأثیر بسزا دارد، بیان می‌گردد.

در طلوع سوره برای خداوند سبحان صفاتی مانند وحدانیت، زنده بودن، قیومیت، عزیز و شکست ناپذیر بودن، کیفر دهنده گناهکاران و علم و حکمت بی‌نهایت او را بر می‌شمارد تا بدین وسیله به مؤمنان یادآور شود خدایی که به او ایمان آورده‌اند، خدایی است واحد که همه جهان هستی قائم به ذات اوست و هیچ چیز بدون مشیت و اذن او واقع نمی‌شود و تنها او به تدبیر جهان و انسان می‌پردازد. (طباطبایی، 7/3) بنابراین هر چند کافران با دستورات الهی به مخالفت برخاسته‌اند، اما از دایره قدرت و تدبیر خداوند خارج نشده‌اند و خداوند شکست ناپذیر به زودی انتقام خود را از آنان می‌گیرد؛ (وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ) (آل عمران/4) (همان)



بی شک اگر مردم جامعه‌ای به چنین خدایی ایمان بیاورند و به او توکل کنند و همه باور داشته باشند که با نصرت الهی پیروزی آنان بر دشمنان حتمی است، هیچ گاه در برابر دشمنان خود هر قدر قوی باشد از خود سستی نشان نخواهند داد و همین امر به پایداری و همدلی و تقویت انسجام درونی آنان منجر خواهد شد.

## 2. دشمن شناسی و آگاهی عمومی

اگر جامعه‌ای دشمنان خود را نشناسد و به نقشه‌ها و حيله‌های آنان آگاه نباشد، نمی‌تواند آمادگی و انسجام لازم را برای مقابله با آنان به دست آورد.

افزون بر این، غفلت از دشمن مقتدر و هوشیار یا دوست پنداشتن دشمنان، خود زمینه ساز شکل گیری اختلافات درونی و از بین رفتن همگرایی دینی است. زیرا معمولاً اختلافات داخلی زمانی بروز و ظهور می‌یابد که نیروهای خودی، نسبت به ضعف و ناتوانی دشمن بیرونی احساس امنیت نمایند و با غفلت از دشمن به اختلافات جزئی و کوچک خود بپردازند.

با توجه به اهمیت دشمن شناسی در تقویت انسجام جامعه، بخش قابل توجهی از سوره آل عمران به معرفی دشمنان مسلمانان و روش مقابله با آنان اختصاص دارد.

در آیات 6-100 این سوره، سه گروه به عنوان دشمن مسلمانان معرفی می‌شوند. این گروه‌ها به ترتیب عبارتند از منافقان، کافران و اهل کتاب. با توجه به آنکه سوره آل عمران پس از ورود نمایندگان مسیحیان نجران نازل شده است، (طبرسی، 695/2) بیشتر آیات این بخش به افشای انحرافات فکری مسیحیان و پاسخگویی به شبهات آنان اختصاص یافته است.

در این آیات هر یک از دشمنان جامعه اسلامی از سه جنبه بررسی و شناسانده می‌شوند:

1. شناسایی و نقد بنیان‌های فکری و مبانی معرفتی
2. تبیین روش‌ها و نقشه‌های هر گروه برای مقابله با مسلمانان
3. ارائه راهکارهایی برای خنثی سازی توطئه‌های مخالفان

از آنجا که محور اصلی اتحاد و انسجام مسلمانان مدینه بر نگرش توحیدی و پیروی از رسول خدا استوار بود، حجم اصلی تلاش‌ها و توطئه‌های مخالفان نیز به سست کردن بنیان‌های ایمانی مسلمانان و تحریک آنان به مخالفت با دستورات حکومتی پیامبر معطوف بود.

برای راهیابی به دیدگاه قرآن در روش خنثی سازی تلاش‌های تفرقه افکنانه مخالفان، در این مجال گزارش کوتاهی از آیات مربوطه ارائه می‌گردد.

الف) منافقان: آیات 7 تا 9 این سوره به روشی که منافقان برای متزلزل کردن ایمان مسلمانان به کار می‌برند اشاره دارد. (طباطبایی، 89/3) این آیات درباره کسانی است که در قلب آنها زیغ و انحراف وجود دارد، به همین خاطر به جای آنکه به آیات محکم قرآن عمل کنند، به آیات متشابه تمسک می‌کنند تا با تأویل نادرست و نابجای آنها، به فتنه جویی و گمراه کردن انسان‌ها پردازند.

برای مقابله با این دسیسه منافقان، از مؤمنان خواسته شده است که همچون راسخان در علم به همه آیات خداوند -چه محکم و چه متشابه- ایمان بیاورند، اما در مقام عمل تنها به محکومات قرآن عمل کنند. (همان، 23)

ب) کافران: آیات 10 تا 18 به معرفی کافران و روش آنها در برخورد با مسلمانان می‌پردازد. به گزارش این آیات، کافران کسانی هستند که به ثروت و قدرت دنیوی خود فریفته شده‌اند و با به رخ کشیدن قدرت ظاهری و مادی خود آن را نشانه حقانیت خود دانسته و سعی در تحقیر مؤمنان و سست نمودن ایمان آنها و از بین بردن همدلی و انسجام ایشان را دارند.

در آیات مورد بحث برای نشان دادن نادرستی راه کافران و خنثی سازی تبلیغات آنها، به دو نکته مهم اشاره شده است:

نخست آنکه کافران باید بدانند به زودی شکست خواهند خورد و نمی‌توانند بر مؤمنان پیروز شوند و برتری آنها نشانه حق بودن ایشان نیست. همان‌گونه که قدرت و سلطنت فرعون هیچ کمکی به پیروزی او نکرد؛

(قُلْ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا سَعْتٌ لَّيْسَ لَهُمْ شُرَكَاءُ فِي شَيْءٍ مِّمَّا يَكْفُرُونَ وَ تَحْشُرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَ بئْسَ الْمِهَادُ) (آل عمران / 12)



«به کافران بگو: به زودی شکست خورده، به سوی جهنم رانده خواهید شد و چه بد جایگاهی است.»

در مقابل مؤمنان به یاری خدا با همین امکانات اندکشان پیروز خواهند شد، همان‌گونه که پیش از این نیز خداوند به یاری مؤمنان آمد و کافران را با همه قدرت و شوکتشان در جنگ بدر شکست داد. (آل عمران / 13)

دوم آنکه علت گمراهی کافران این است که مال و شهوت دنیا در نظرشان جلوه کرده و چنین خیال کرده‌اند که مال و اولادی که نصیبشان شده، جاودانه است و همین نشانه برتری آنها بر مؤمنان است، اما آنان سخت در اشتباهند، و اینها همه متاع زندگی زودگذر دنیوی است و به زودی از بین می‌روند و آنچه خدا برای اهل تقوا در نظر گرفته است، بسیار بهتر از مال و ثروت دنیاست. (آل عمران / 15)

آیات بعدی با توصیه مؤمنان به توبه، توجه به آخرت، صبر، انفاق، بندگی خدا و استغفار در سحرگاهان، راه فریفته نشدن به زر و زیور دنیا و مقابله با نقشه‌های کافران را به آنان می‌آموزد. (آل عمران / 18-16)

ج) اهل کتاب (مسیحیان و یهودیان): آیات 19 تا 100 سوره آل عمران درباره افشای توطئه‌های دینی و سیاسی مسیحیان و یهودیان و آموزش روش مقابله با آنان است.

آن گونه که از روایات شأن نزول بر می‌آید، گروهی از مسیحیان نجران برای احتجاج با پیامبر به مدینه آمده بودند. هیأت نجرانی سه ادعای مهم داشتند: یکی آنکه آیین آنها برحق است و اسلام واقعی، همان دین مسیحیت است. دوم: مسیح فرزند خداست، زیرا بدون پدر متولد شده است. سوم: مسیح خود ادعای الوهیت کرده است و آنان به پیروی از مسیح بدان معتقد شده‌اند.

از سویی یهودیان که مهم‌ترین دشمنان مذهبی مسلمانان در مدینه بودند نیز تنها دین و آیین خود را حق می‌دانستند و به هیچ وجه حاضر نبودند به رسول خدا ایمان بیاورند و با شبهه افکنی سعی می‌کردند در ایمان مسلمانان خلل ایجاد نمایند. آیات 93 تا 99 سوره به بیان دو شبهه یهودیان و پاسخ آن اختصاص دارد. در آیات مورد بحث پاسخ اعتراض یهودیان به حلیت برخی از غذاها در اسلام و تغییر قبله

داده می‌شود و از آنان می‌خواهد به مخالفت‌های خود با دین خدا و بازداشتن مؤمنان از راه ایمان پایان دهند.

بررسی آیات مربوط به اهل کتاب نشان می‌دهد که مباحثات آنها با مسلمانان تنها یک بحث علمی و عقیدتی نبوده است، بلکه آنان در صدد بودند با طرح این مباحث در ایمان مسلمانان خللی ایجاد نمایند و آنها را به گمراهی بکشانند. آیات 69 تا 71 آل عمران به خوبی این نقشه آنها را افشا می‌کند:

(وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ\* يَأْهَلِ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ\* يَأْهَلِ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ)

«گروهی از اهل کتاب آرزو می‌کنند که شما مسلمانان را گمراه سازند، در حالی که جز خودشان کسی را به گمراهی نمی‌افکنند و این را درک نمی‌کنند. ای اهل کتاب! چرا آیات خدا را که در تورات و انجیل به عنوان نشانه‌هایی بر رسالت محمد آمده است انکار می‌کنید، در حالی که انطباق آنها را بر او به روشنی در می‌یابید؟ ای اهل کتاب! چرا حق را در چهره باطل آشکار می‌سازید و حق را کتمان می‌کنید، در حالی که حق و باطل را می‌شناسید؟»

اهل کتاب وقتی از این راه به هدف شوم خود دست نیافتند، برای ایجاد تفرقه دینی و از بین بردن همدلی ایمانی مؤمنان، روش منافقانه‌ای در پیش گرفتند. قرآن از این نقشه آنان چنین خبر می‌دهد:

(وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَ أَكْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ) (آل عمران/72)

«گروهی از اهل کتاب گفتند: (بروید و ظاهراً) به آنچه بر مؤمنان نازل شده در آغاز روز ایمان بیاورید و در پایان روز کافر شوید (و کفر خود را آشکار سازید) شاید آنها مؤمنان- نیز متزلزل شده، باز گردند.»

شاید منظور از آغاز و پایان روز این باشد که فاصله میان ایمان و کفر شما کوتاه باشد، این کوتاهی فاصله سبب خواهد شد که بگویند آنها اسلام را چیز مهمی خیال می‌کردند، ولی از نزدیک چیز دیگری یافتند، از این رو به سرعت از آن بازگشتند.



این توطئه در افراد ضعیف النفس اثر قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت، به خصوص اینکه عده مزبور از دانشمندان یهود بودند و همه می‌دانستند که آنها نسبت به کتب آسمانی و نشانه‌های آخرین پیامبر آشنایی کامل دارند و این امر لاقابل پایه‌های ایمان تازه مسلمانان را متزلزل می‌سازد. جمله (لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ) نشان می‌دهد که آنها امیدوار به تأثیر این نقشه بودند.

به منظور خنثی سازی تلاش‌های اهل کتاب در برابر اسلام، دو اقدام هماهنگ در سوره آل‌عمران سازماندهی شده است:

نخست آنکه با نشان دادن کفر درونی مسیحیان و یهودیان، واقعیت دینی آنان را بیان کرده است تا مبدا برخی مسلمانان ساده دل فریب ظاهر دینی آنان را بخورند. در این اقدام به تفصیل مبانی اعتقادی مسیحیان بررسی شده و به سه ادعای آنها با تکیه به شواهد تاریخی و استدلال‌های عقلی پاسخ داده شده است.

از جهت دیگر از مؤمنان می‌خواهد از دوستی با آنان بپرهیزند و از پیروی نمودن آنها اجتناب نمایند. این فرمان با عباراتی نزدیک به هم در ابتدا و انتهای آیات مربوط به اهل کتاب مطرح شده است. در آیه 28 از مؤمنان می‌خواهد با دشمنان طرح دوستی نریزید؛

(لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ)

«افراد با ایمان نباید غیر از مؤمنان، (یعنی) کافران را دوست و ولی و حامی خود انتخاب کنند و هر کس چنین کند، رابطه خود را به کلی از پروردگارش گسسته است.»

این آیه در زمانی نازل شد که روابطی در میان مسلمانان و مشرکان با یهود و نصارا وجود داشت و چون ادامه این ارتباط برای مسلمین زیانبار بود، مسلمانان از این کار نهی شدند. این آیه در واقع یک درس مهم سیاسی اجتماعی به مسلمانان می‌دهد که بیگانگان را به عنوان دوست و حامی و یار و یاور هرگز نپذیرند و فریب سخنان جذاب و اظهار محبت‌های به ظاهر صمیمانه آنها را نخورند، زیرا ضربه‌های سنگینی که در طول تاریخ بر افراد با ایمان و با هدف واقع شده، در بسیاری از موارد از این رهگذر بوده است. (مکارم شیرازی، 499/2)

در آیات پایانی این بخش، یعنی آیه 100 آل عمران نیز بار دیگر با توجه به اثبات کفر اهل کتاب از مؤمنان می‌خواهد از سخنان و عقاید آنان پیروی نکنند، زیرا اطاعت از آنان موجب کفر و خروج مؤمنان از دین می‌شود؛

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از گروهی از کسانی که به آنان کتاب آسمانی داده شده است پیروی کنید، شما را پس از آنکه ایمان آورده‌اید به کفر باز می‌گردانند.»

در این آیه به مسلمانان هشدار می‌دهد که اگر تحت تأثیر سخنان مسموم دشمن واقع شوند و به آنها اجازه دهند که در میان افرادشان نفوذ کنند و به وسوسه‌های آنها ترتیب اثر دهند، چیزی نخواهد گذشت که رشته ایمان را به کلی خواهند گسست و به سوی کفر باز می‌گردند؛ زیرا دشمن، نخست می‌کوشد آتش عداوت را در میان آنها شعله‌ور سازد و آنها را به جان هم بیفکند و مسلماً به این مقدار قناعت نخواهد کرد و به وسوسه‌های خود همچنان ادامه می‌دهد تا به کلی آنها را از اسلام بیگانه سازد.

### 3. تقوا و خدا محوری

دعوت به اتحاد بدون استمداد از یک ریشه اخلاقی و عقیده‌ای، بی اثر و یا بسیار کم اثر است. رهبرانی که می‌کوشند اتحاد و انسجام دینی جامعه خود را در پرتو منافع مشترک و یا اشتراکات زبانی و نژادی تأمین کنند، در حقیقت با ترویج روحیه منفعت طلبی و خود محوری، شهروندان خود را با یک تناقض مواجه می‌سازند.

چنین رهبرانی با آنکه مردم را برای ترجیح دادن منفعت عمومی بر منفعت شخصی تشویق می‌کنند، اما از آنجا که انگیزه جلب منفعت فردی بیش از سایر انگیزه‌هاست، به تدریج و با تقویت روحیه منفعت محوری، این عامل اتحاد را به عاملی برای تفرقه و کشمکش تبدیل می‌کنند.



در سوره آل عمران کوشش شده است تا در پرتو ایمان و تقوا و خدا محوری، عوامل ایجاد کننده اختلاف و پراکندگی تضعیف گردند، از این رو افراد با ایمان را مخاطب ساخته و می‌فرماید:

**(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ) (آل عمران/102)**

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا آن گونه که حق پروا کردن از اوست، پروا کنید و به فرمان او همواره گردن نهید.»

در اینکه منظور از «حق تقوا» چیست، در میان مفسران سخن بسیار است، اما شک نیست که حق تقوا، آخرین و عالی‌ترین درجه پرهیزکاری است که پرهیز از هر گونه گناه و عصیان و تعدی و انحراف از حق را شامل می‌گردد.

افزون بر تقوا در مسائل فردی، در این سوره تقوای عمومی نیز مورد تأکید قرار گرفته است و همه مؤمنان و شهروندان جامعه ایمانی به چنگ زدن به ریسمان الهی دعوت شده‌اند و از آن به عنوان عامل مهمی برای مقابله با تفرقه و اختلاف یاد شده است؛

**(وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) (آل عمران/103)**

«و همگی به ریسمان الهی (قرآن و پیامبر) که شما را به خدا پیوند می‌دهد، چنگ زنید و از اختلاف و پراکندگی پرهیزید.»

اعتصام به حبل و ریسمان الهی به معنای آن است که در همه امور، فرمان و خواسته خداوند که در کتاب الهی و بیان رسولش تجلی یافته است، سرلوحه عمل قرار گیرد. در واقع این آیه شریفه بر این نکته پای می‌فشارد که گرچه هدف و منافع مشترک و سرنوشت واحد گاه سبب وحدت است، ولی این وحدت در صورتی پایدار می‌ماند که بر مبنای یک نگرش مشترک اعتقادی باشد.

کارایی و تأثیر اعتصام به ریسمان خدا (یعنی کتاب خدا و رهبری به وجود آمده از آن) برای تحقق وحدت و انسجام عمومی به حدی است که گاه از آن به معجزه اجتماعی اسلام یاد می‌کنند، قرآن خود از این معجزه چنین یاد می‌کند:

**(وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا)**

**(آل عمران / 103)**



«و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن‌گاه که دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما الفت انداخت و در پرتو نعمت او با یکدیگر برادر شدید.»

اهمیت وحدت و برادری در میان قبایل کینه‌توز عرب بر اثر ایمان به خدا و پیامبرش از نظر دانشمندان غیر مسلمان نیز مخفی نمانده و همگی با اعجاب فراوان از آن یاد کرده‌اند، به عنوان نمونه «جان دیون پورت» دانشمند معروف انگلیسی می‌نویسد:

«محمد یک نفر عرب ساده بود، اما او توانست قبایل پراکنده کوچک و برهنه و گرسنه کشور خودش را مبدل به یک جامعه فشرده و با انضباط نماید و در میان ملل روی زمین آنها را با صفات و اخلاق تازه‌ای معرفی کند، او با این طرز و روش در کمتر از سی سال، امپراطور قسطنطنیه را مغلوب کرد، و سلاطین ایران را از بین برد. سوریه و بین النهرین و مصر را تسخیر کرد و دامنه فتوحاتش را از اقیانوس اطلس تا کرانه دریای خزر و تا رود سیحون بسط داد.» (جان دیون پورت، 77/)

#### 4. نهادینه کردن پاسداری از ارزش‌های الهی در جامعه

برای حفظ و تقویت همگرایی دینی و وحدت عمومی ناگزیر باید از ارزش‌هایی که سبب یگانگی مردم شده و در کتاب خدا تجسم پیدا کرده است پاسداری کنیم. بدون حفظ ارزش‌هایی مانند خداپاوری، عدالت اجتماعی، مساوات و پرهیز از گناهان فردی و اجتماعی نمی‌توان به استمرار انسجامی که در پرتو ایمان به وجود آمده است اطمینان داشت.

به خاطر پاسداری از ارزش‌هایی که ضامن بقای وحدت است، خداوند از مؤمنان می‌خواهد که با احیای سنت امر به معروف و نهی از منکر پاسداری از ارزش‌های الهی را در جامعه نهادینه کنند.

(وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ\* وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ) (آل عمران/ 105-104)



«و باید از میان شما گروهی باشند که مردم را به نیکی فرا خوانند و آنان را به کار پسندیده وادارند و از کار زشت و نکوهیده نهی کنند. اینانند که نیکبخت خواهند بود. و مانند کسانی نباشید که وحدت خود را از دست دادند و پراکنده شدند، و پس از آنکه دلایل روشن برای آنها آمد، در باورهای دینی خود اختلاف کردند. اینانند که برایشان عذابی بزرگ خواهد بود.»

در آیه فوق دستور داده شده که همواره در میان مسلمانان باید امتی باشند که این دو وظیفه بزرگ اجتماعی را انجام دهند: مردم را به نیکی‌ها دعوت کنند و از بدی‌ها باز دارند. و در پایان آیه تصریح می‌کند که فلاح و رستگاری تنها از این راه ممکن است.

علاوه بر آیات فراوان قرآن مجید، احادیث زیادی در منابع معتبر اسلامی نیز درباره اهمیت این دو وظیفه بزرگ اجتماعی وارد شده است که در آنها به خطرات و عواقب شومی که بر اثر ترک این دو وظیفه در جامعه به وجود می‌آید اشاره گردیده است. به عنوان نمونه امام باقر 7 می‌فرماید:

«ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فریضة عظيمة بها تقام الفرائض و تأمن المذاهب و تحل المكاسب و ترد المظالم و تعمر الارض و ينتصف من الاعداء و يستقیم الامر.»

«امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه فرائض با آنها برپا می‌شوند و به وسیله این دو، راه‌ها امن می‌گردد و کسب و کار مردم حلال می‌شود، حقوق افراد تأمین می‌گردد و در سایه آن زمین‌ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود، و در پرتو آن همه کارها اصلاح می‌گردد.» (حر عاملی، 395/11)

در برخی از کشورهای اسلامی در طول تاریخ با الهام از آیه فوق، تشکیلاتی مخصوص مبارزه با فساد و دعوت به انجام مسئولیت‌های اجتماعی به نام اداره حسبه و مأموران آن به نام «محتسب» و یا «آمرین به معروف» وجود داشته است که مأمور بودند با همکاری یکدیگر با هر گونه فساد و زشت‌کاری در میان مردم، و یا هر گونه ظلم و فساد در دستگاه حکومت مبارزه کنند، و همچنین مردم را به کارهای نیک و پسندیده تشویق نمایند. البته وجود این جمعیت با آن قدرت وسیع، هیچ گونه منافاتی با عمومی بودن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر ندارد.

## 5. تأکید بر شایستگی و برتری‌های امت اسلامی

یکی از عوامل مهم حفظ انسجام درونی یک جامعه، خودباوری و پذیرش توانایی‌های ذاتی خود است. اگر ملتی خود را باور نمود و پذیرفت که از سایر ملت‌ها چیزی کمتر ندارد، امکانات مادی و برتری‌های ظاهری دشمنان خود را ناچیز شمرد، می‌تواند با تکیه بر لطف الهی و اعتماد به نفس ملی در برابر هر دشمنی هرچند قوی - مقاومت و ایستادگی کند.

آیه 110 سوره آل عمران با تکیه بر این اصل اجتماعی، به مسلمانان یادآوری می‌کند که اگر آنان از ارزش‌های دینی خود پاسداری نمایند؛ برترین ملت‌های جهان هستند و سایر ملل نیز در صورت پیروی از آنان می‌توانند به کمال و سعادت برسند. این آیه می‌فرماید:

(كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ  
لِوَأَمِّنَ أَهْلَ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ)

«شما بهترین امتی هستید از میان مردم پدید آمده، که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. اگر اهل کتاب نیز ایمان بیاورند برایشان بهتر است.»

آیات بعدی تأکید می‌فرماید که افزون بر برتری‌های اعتقادی، در صحنه مبارزه و درگیری‌های سیاسی و نظامی نیز برتری از آن مؤمنان است و دشمنان جز ضربات مقطعی و آزار و اذیت‌های موردی نمی‌توانند لطمه‌ای به اهل ایمان بزنند و در صورت پایمردی مسلمانان، مخالفان ایشان با همه‌ساز و برگ نظامی‌شان سرانجام شکست می‌خورند. بدین ترتیب اعتماد به نفس و احساس خودباوری مسلمانان را به طرز فوق‌العاده‌ای افزایش می‌دهد.

نمونه‌ای از دشمنان مؤمنان که در این آیات بدان‌ها اشاره شده است یهودیان مدینه هستند. آنان از امکانات مادی و نظامی و برج و باروهای خلل‌ناپذیر برخوردار بودند، آنچنان که به نظر می‌رسید مسلمانان هیچ‌گاه نمی‌توانند در رویارویی جنگی بر آنها برتری یابند. تصور شکست‌ناپذیری دشمن کافی است که ملتی را به تفرقه و چند دستگی بکشاند و قدرت مقاومت آنها را در هم ریزد. اما



آیات 111 و 112 سوره آل عمران به روشی جالب به مقابله با این آسیب احتمالی برخاسته و برتری بی چون و چرای مؤمنان را بر دشمنانشان یادآور می‌شود:

(لَنْ يَضُرَّوْكُمْ إِلَّا أَذًى وَإِنْ يُقَاتِلُوكُمْ يُؤْتِكُمُ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصِرُونَ \* ضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةَ أَيْنَ مَا تَقْفُوا إِلَّا بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ وَحَيْلٍ مِنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الْمُسْكَنَةَ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ...)

«هرگز (یهودیان) به شما آسیب سخت نتوانند رسانید مگر آنکه شما را اندکی بیازارند، و اگر به کارزار شما آیند، از جنگ خواهند گریخت و از آن پس هیچ وقت یاری نخواهند شد. آنها محکوم به ذلت و خواری هستند به هر کجا که یافت شوند، مگر به دین خدا در آیند یا پیمانی با مسلمانان ببندند. آنان پیوسته مورد خشم خدا قرار گرفتند و اسیر بدبختی و ذلت شدند از این رو که به آیات خدا کافر شدند و...»

تجربه پیروزی حزب الله لبنان در جنگ سی و سه روزه با اسرائیل، بزرگ‌ترین قدرت نظامی خاورمیانه، نشانه روشنی از برتری مسلمانان در پرتو ایمان و در صورت خود باوری و ناچیز انگاشتن دشمنانشان است. این واقعه، نمونه عینی بشارتی است که آیه 120 آل عمران به مؤمنان می‌دهد که در صورت پایداری و تقوا می‌توانند همه نقشه‌های دشمنان را نقش بر آب کنند؛

(إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ)

«اگر بردباری کنید و پرهیزگار باشید، کید ایشان زبانی بر شما نخواهد داشت. و خدا به آنچه می‌کنید احاطه دارد.»

## 6. اعتماد نکردن به بیگانگان

وحدت استقرار یافته در میان مسلمانان وحدتی اصولی و مبتنی بر ایمان است، از این رو جایز نیست مؤمنان با اعتماد کردن به بیگانگان و بیان اسرار خود به آنها، زمینه خدشه‌دار شدن اتحاد و انسجام خود را فراهم نمایند. قرآن کریم با تأکید بر این اصل حیاتی، از مؤمنان می‌خواهد هرگز از بیگانگان برای خود، دوست و همرازی انتخاب نکنند و بیگانگان را از اسرار و رازهای درونی خود با خبر نسازند و به ایشان می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِيْطَانَةً مِّنْ دُونِكُمْ... (آل عمران / 118)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از غیر خودتان همراز نگیرید.»

آن‌گاه برای هوشیاری و بیداری مسلمانان، دلایل صدور این دستور را چنین بیان می‌کند: غیر مسلمانان را برای خود محرم اسرار و همدل نگیرید؛ زیرا کافران از هیچ‌گونه بدی و تباهی در حق شما کوتاهی نمی‌کنند و سعی آنها بر این است که به شما آسیب وارد کنند و اگر بتوانند، بر شما ضربه‌های سختی می‌زنند. آنها می‌خواهند که شما در رنج و زحمت باشید. اگر دقت کنید دشمنی آنها از لابلای سخنانشان پیداست. چون انسان هر قدر هم مواظب گفتارش باشد، باز ماهیت خود را به زبان می‌آورد. تازه آنچه آنها در سینه‌ها و دل‌های خود پنهان کرده‌اند، بزرگ‌تر است و آن کینه و عداوتی است که آنها در دل دارند، ولی برای فریب دادن مسلمانان بر زبان نمی‌آورند. (ترجمه تفسیری آیه 118)

اصل اعتماد نکردن به بیگانگان تا آیه 129، با افشای واقعیت دوستی‌های ظاهری اهل کتاب با مؤمنان پیگیری شده است و در مجموع دو دلیل برای بیان ضرورت پایبندی به این اصل بیان شده است:

یکم: اگر به منظور جلب کمک و یاری اهل کتاب اسرار خود را به آنها می‌گویید، بدانید که هیچ‌گاه دوست واقعی شما نخواهند بود، همان‌گونه که در جنگ احد شما را در برابر مشرکان یاری نکردند. (آل عمران/122-119)

دوم: کسی که در همه حال به کمک و یاری شما می‌شتابد خداست، همان‌گونه که در جنگ بدر با سه هزار فرشته به کمک مؤمنان شتافت. (آل عمران/129-123)

### ج) آسیب شناسی اتحاد و اقتدار مسلمانان

اگر مؤمنان به توصیه‌های قرآن عمل نمایند و با رعایت راهکارهای قرآنی، انسجام و اتحاد خود را حفظ نمایند، در همه صحنه‌های اعتقادی، سیاسی و حتی نظامی بر دشمنان خود چیره می‌شوند. برای نشان دادن کارایی این اصول، آیات 130 تا 180 به کالبد شکافی یکی از شکست‌های مسلمانان صدر اسلام، یعنی «جنگ احد» می‌پردازد و با ذکر زمینه‌ها و دلایل شکست مؤمنان در این جنگ، آسیب‌هایی که اتحاد و اقتدار مسلمانان را تهدید می‌کند، برمی‌شمارد و در مواردی،



بر رعایت اصول فوق که ضامن عزت و پیروزی مؤمنان است تأکید می‌شود. در این آیات به ترتیب نکات زیر یادآوری می‌شود:

1. مخالفت با فرمان‌های خدا و وجود مفسد اجتماعی مانند ربا خواری در جامعه اسلامی یکی از دلایل ضعف و شکست مسلمانان است. از این رو در آیه 130 تا 138 پس از نهی نمودن مؤمنان از رباخواری که موجب گسترش فاصله طبقاتی و اختلاف در جامعه اسلامی می‌شود، به اموری که موجب گسترش نیکی و احسان در جامعه است، مانند شتاب در کار نیک، انفاق، کظم غیظ، عفو و بخشش مردم اشاره می‌گردد و از مؤمنان می‌خواهد که با ارتکاب گناهان و معاصی، رابطه خود را با خدا قطع نکنند و اگر گناهی مرتکب شدند، با توبه و استغفار به سوی خدا باز گردند. (طباطبایی، 17/3)

2. اگر مؤمنان در برابر دشمنان احساس ضعف و ناتوانی کنند و آنان را از خود برتر بدانند و با تحمل یک شکست روحیه خود را ببازند، باید در انتظار شکست‌های پی در پی دیگر باشند. همان گونه که در جنگ اُحد پس از پیروزی مقطعی مشرکان و غافلگیر شدن مسلمانان، برخی همه چیز را تمام شده فرض کردند و مشرکان را برتر از خود دانستند و به جای مقاومت پا به فرار گذاشتند. در آیات 139 تا 148 پس از آنکه مؤمنان را از ضعف و حزن در اثر شکست بر حذر می‌دارد، به برتری آنان تأکید کرده و به نکاتی که باعث تقویت روحیه مؤمنان می‌شود اشاره می‌فرماید.

3. آیات 149 تا 155 پیروی از غیر خدا را به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل شکست مسلمانان برمی‌شمارد و از آنان می‌خواهد از کافران (مخالفان دستورات خدا) پیروی نکنند.

برای نمونه لازمه پیروی از دستور خدا در جنگ اُحد این بود که مسلمانان تا آخرین نفس مقاومت کنند و به وسوسه‌های منافقان و غنایم جنگی بی‌توجه باشند، اما برخی از مسلمانان به سخنان تحریک‌آمیز منافقان گوش فرا دادند (طبرسی، 856/2) و گروهی نیز در اثر حب دنیا برای جمع‌آوری غنایم، پُست حساس خود

را رها کردند و برخی نیز از ترس مرگ آنچنان پا به فرار گذاشتند که پیامبر را در آخر سپاه تنها رها نمودند.

4. قدر ناشناسی از رهبران الهی و نسبت دادن کاستی‌ها و شکست‌ها به آنان نیز یکی از عوامل شکست و از بین رفتن همگرایی مسلمانان است. از این رو در آیات 156 تا 164 از مؤمنان می‌خواهد به سخنان منافقانی که می‌گفتند: «اگر کشته شدگان نزد ما می‌ماندند هیچ‌گاه کشته نمی‌شدند»، گوش ندهند.

در این آیات پس از نقل این سخن کوتاه‌بینانه و با بیان ثواب شهادت در راه خدا به بیان مفهوم این سخنان می‌پردازد و می‌فرماید: در حقیقت منافقان می‌خواهند بگویند: اگر به جای پیروی از رسول خدا از ما پیروی می‌کردید، امروز این همه خسارت مادی و معنوی متوجه شما نمی‌شد. اما این سخن درست نیست؛ زیرا وجود پیامبر در میان مسلمانان مایه رحمت است و او کسی است که هرگز به مؤمنان خیانت نمی‌کند و با اخلاق نیکو مسلمانان را به دور خود جمع کرده و با آنان مشورت نموده و برای ایشان از خدا طلب مغفرت و عفو می‌نماید و به وسیله او خداوند انسان‌ها را از گمراهی نجات داد.

از این رو در پاسخ به سخنان منافقان، در آیات 165 تا 175 از اهل ایمان می‌خواهد به سخنان منافقان توجهی نکنند و به آنها بگویند: اگر می‌توانید مانع مرگ کسی شوید، خوب است کاری کنید که خود هرگز نمیرید.

آیات بعدی به مقام شهدا و جایگاه آنان نزد خدا اشاره می‌کند تا مؤمنان بدانند کسانی که از رسول خدا پیروی کرده‌اند به چه مقام و درجه رفیعی رسیده‌اند.

5. نداشتن تحلیل درستی از مصیبت‌ها و مشکلات فرا روی مبارزان و مجاهدان راه ایمان نیز از دلایلی است که چه بسا موجب بروز ضعف و سستی در میان صفوف مؤمنان شده و انسجام و اتحاد آنان را تهدید می‌کند.

آیات 176 تا 180 به فلسفه موفقیت‌ها و برتری ظاهری کافران و مخالفان راه حق و شکست‌ها و ناکامی‌های مقطعی اهل ایمان می‌پردازد و این تصور را که برتری و پیروزی کافران نشانه حقانیت آنهاست، نفی می‌کند و می‌فرماید: «آنها با این امکانات نمی‌توانند به اهل ایمان لطمه‌ای بزنند و اگر خداوند اجازه می‌دهد



کافران مشکلاتی برای اهل ایمان به وجود آورند، تنها برای آزمودن ایمان آنهاست تا صفوف مؤمنان از منافقان جدا گردد.»

#### د) همگرایی دینی، به مثابه یک راهبرد

در آموزه‌های قرآنی حفظ انسجام جامعه و وحدت دینی مسلمانان نه به عنوان یک رهیافت (تاکتیک)، بلکه به عنوان مهم‌ترین راهبرد (استراتژی) برای ساختن جامعه ایمانی و مقاوم سازی جامعه در برابر دشمنان داخلی و خارجی مورد اهتمام و توجه است.

آیات پایانی سوره آل عمران نیز با این دید به بررسی مسئله اتحاد دینی و انسجام درونی مسلمانان می‌پردازد و از مؤمنان می‌خواهد با تلاشی خستگی ناپذیر به مقابله با دشمنانشان برخیزند و در این مسیر هیچ‌گاه از وحدت و انسجام خود غافل نشوند.

بدین منظور در آیات 181 تا 189 سوره، با ارائه گزارشی از انحرافات و مخالفت‌ها و بهانه جویی‌های یهودیان در برابر رسول خدا، به آزار و اذیت‌های آنان به مؤمنان و تلاشی که برای کتمان رسالت و حقانیت پیامبر خدا به کار می‌بندند اشاره می‌کند و به مؤمنان یادآور می‌شود که دشمنی مخالفان به ویژه یهودیان با دین خدا پایانی ندارد.

آن‌گاه در آیات 190 تا 199 به بیان ویژگی‌های مؤمنان واقعی که قدرت مقاومت و ایستادگی در برابر کافران را دارند می‌پردازد و برای آنان خصالت‌هایی مانند ذکر دائمی خدا، تفکر در آیات الهی، پناه بردن به خدا از عذاب جهنم و درخواست آمرزش و بهشت الهی را ذکر می‌کند و نتیجه تلاش‌های آنان برای دفاع از دین خدا که همان بهشت جاودان است را یادآور می‌شود و تصریح می‌کند که تلاش‌های کافران و برتری‌های دنیوی آنها نباید مجاهدان راه ایمان را دلسرد کند، زیرا بهره‌مندی آنها از دنیا اندک و عذاب آنها در آخرت جاودان است.



## هـ) سطوح همگرایی دینی

در پژوهش و بررسی در خصوص انسجام و همگرایی، دست‌کم سه سطح تحلیلی را می‌توان از یکدیگر تفکیک نمود:

اول: سطح خرد (معطوف به افراد و شهروندان)

دوم: سطح میانی (در سطح خانواده، گروه و خرده‌فرهنگ‌ها)

سوم: سطح عالی (ساختارها و نهادها)

در سوره آل‌عمران هر سه سطح مورد توجه واقع شده است. در آخرین آیه این سوره که در حکم نتیجه‌گیری و خلاصه‌ای از تمام محتوای سوره است، سطوح مختلف انسجام به ترتیب شمرده شده‌اند. این آیه شریفه می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر ناگواری‌ها شکیبایی کنید و با اتکا به صبر و پایداری یکدیگر بر مقاومت خویش بیفزایید و در امور دین و دنیا با یکدیگر همبستگی داشته باشید و از عذاب خدا پروا کنید، باشد که نیکبخت شوید.»

منظور از «اصبروا»، صبر و تحمل فردی مؤمنان در اموری مانند صبر بر طاعت، صبر در معصیت و صبر در برابر مشکلات و از این قبیل است. (طباطبایی، 92/4) این عبارت به سطح خرد از سطوح انسجام اشاره می‌فرماید و از احاد شهروندان جامعه اسلامی می‌خواهد به دلیل مشکلات پدید آمده در مسیر تعالی جامعه دینی، عملی برخلاف وظیفه دینی و اجتماعی خود انجام ندهند. طبیعی است که در آن شرایط خاص سیاسی و اجتماعی پس از جنگ احد، خروج برخی از مؤمنان از دایره ایمان، لطمه بزرگی به اتحاد و انسجام جامعه وارد می‌نمود.

منظور از «صابروا»، صبر و استقامت جامعه اسلامی بر مشکلاتی مانند جنگ و محاصره اقتصادی است که همه ملت باید با تعاون و همکاری آنها را پشت سر بگذارند. (همان) تعبیر «صابروا» که از ریشه «مصبره» و به معنای صبر متقابل و دو جانبه است، به سطح میانی انسجام اسلامی اشاره دارد. در این سطح خرده‌گروه‌های اجتماعی باید با تعاون و همدلی موجبات اتحاد و انسجام جامعه را فراهم آورند و با دعوت یکدیگر به صبر و استقامت، روحیه عمومی جامعه را در

برابر مشکلات و تنگناهایی که به دلیل رویارویی با دشمنان پدید آمده است، تقویت نمایند.

«رابطوا» نیز به معنای ساماندهی و برقراری نظام کار آمد در جمیع شئون زندگی اجتماعی و دینی است و اختصاصی به دوران فشار و مقابله مستقیم با دشمنان ندارد. (همان) این عبارت همانند آیه شریفه (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ) (انفال/60) به بسیج همه امکانات و تقویت همه نهادها و ساختارهای اجتماعی جامعه دینی اشاره دارد و بیانگر سطح عالی از انسجام دینی است.

بر این اساس مسئولان جامعه اسلامی وظیفه دارند نهادهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه و زیرساخت‌های فکری و اعتقادی آن را به گونه‌ای طراحی نمایند تا ضمن حرکت جامعه به سوی تعالی و رشد، جامعه از آنچنان استحکام و انسجام درونی برخوردار شود که هیچ کس جرأت مقابله و ستیز با جامعه اسلامی را نداشته باشد.

راهکارهایی که سوره آل عمران برای تقویت اتحاد و همگرایی دینی ارائه می‌دهد و یا اصولی را که برای مقابله با آسیب‌های انسجام و اقتدار ملی برمی‌شمارد، به هر سه سطح انسجام ارتباط دارد، از این رو باید گفت این سوره نگاهی فراگیر را نسبت به اتحاد و انسجام در جامعه دینی دنبال می‌نماید.



پی نوشت‌ها:

1. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 2، ص 693: منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، ج 2، ص 167؛ فتح القدير، ج 1، ص 357؛ التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج 2، ص 5.
2. علوم قرآنی، آیت الله معرفت، ص 79؛ الموسوعة القرآنیة، خصائص السور، ج 2، ص 5؛ أحسن الحدیث، ج 2، ص 1؛ تفسیر جامع، ج 1، ص 406؛ بیان المعانی، ج 5، ص 316؛ التحریر و التنویر، ج 3، ص 5.
3. المیزان فی تفسیر القرآن، ج 3، ص 6؛ الموسوعة القرآنیة، خصائص السور، ج 2، ص 23؛ مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج 5، ص 5؛ پرتوی از قرآن، ج 5، ص 6؛ تفسیر أحسن الحدیث، ج 2، ص 3.

## منابع و مأخذ:

1. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ التحرير و التنوير، بيروت، مؤسسة التاريخ، 1400ق.
2. بروجردی، سيد محمد ابراهيم؛ تفسير جامع، چاپ ششم، تهران، انتشارات صدر، 1366ش.
3. جان ديون پورت؛ عذر تقصير به پيشگاه محمد و قرآن، ترجمه سيد غلامرضا سعیدی، تهران، اقبال، 1334ش.
4. جعفر، شرف الدين؛ الموسوعة القرآنية، خصائص السور، چاپ اول، بيروت، دارالتقريب بين المذاهب الاسلامية، 1420ق.
5. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، 1409ق.
6. خامه گر، محمد؛ تفسير آفتاب، چاپ اول، قم، زلال كوثر، 1385ش.
7. \_\_\_\_\_؛ ساختار هندسی سوره های قرآن، تهران، شرکت چاپ و نشر بين الملل، 1382ش.
8. سيد قطب؛ في ظلال القرآن، بيروت، دار الشروق، 1419ق.
9. شوکانی، محمد بن علی بن محمد؛ فتح القدير، قاهره، داراحديث، 1993م.
10. صادقی تهرانی، محمد؛ الفرقان فی تفسير القرآن بالقرآن، چاپ دوم، قم، انتشارات فرهنگ اسلامي، 1365ش.
11. طالقانی، سيد محمود؛ پرتوی از قرآن، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار، 1362ش.
12. طباطبایي، سيد محمد حسين؛ الميزان فی تفسير القرآن، چاپ دوم، بيروت، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، 1393ق.
13. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البيان فی تفسير القرآن، بيروت، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، 1415ق.
14. طنطاوی، سيد محمد؛ التفسير الوسيط للقرآن الکریم، قاهره، دارالمعارف، 1993م.
15. قرشی، سيد علی اکبر؛ احسن الحديث، تهران، بنياد بعثت، 1366ش.
16. کاشانی، ملا فتح الله؛ تفسير منهج الصادقين فی الزام المخالفين، تهران، کتاب فروشی محمد حسن علمي، 1336ش.



17. مدنی، محمد؛ المجتمع الاسلامی كما تنظمه سورة النساء، مصر، بی‌نا، 1991م.

18. معرفت، محمد هادی؛ علوم قرآنی، قم، مؤسسه التمهید، 1378ش.

19. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، چاپ دوازدهم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1373ش.

20. ملاحویش آل غازی، عبدالقادر؛ بیان المعانی، چاپ اول، دمشق، مطبعة الترقی، 1382ق.

21. موسوی سبزواری، سید عبد الاعلی؛ مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت، موسسه اهل بیت :، 1409ق.

22. هاشمی رفسنجانی، اکبر؛ تفسیر راهنما، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1371ش.